روزنه

نمایندگان مجلس از ظریف، کلانتری و آخوندی شکایت کردند

حمله بی‌نتیجه اما پرهزینه مجلس به دولت

● **وحیده کریمی:** کارکرد مجلس شورای اسلامی با روی‌کارآمدن مجلس یازدهم در حال تغییر است و جز حاشیه و دخالت در کار قوه مجریه و اظهارنظرهای جنجالی علیه دولت، حال شکایت از رئیس‌جمهور و وزرا و مسئولان هم به حیطه وظایف اصلی مجلس اضافه شده است. درست است که مجلس وظیفه نظارتی دارد اما سؤال مهم آن است که چرا نظارت را از خود شروع نمی‌کنند؟ مثلا پرونده عیسی شریفی را بررسی نمی‌کنند و از همکار خود نمی‌پرسند که چگونه فقط یک نفر مسئول فساد در پرونده مهم فساد در شهرداری است و خبری از همراهان و همکاران رده‌بالای او نیست؟ یا خیلی ساده‌تر آیا درباره جرم توهین به رؤسای قوا و اتهام‌زنی بدون سند و مدرک در کتاب قانون جست‌وجویی کرده‌اند تا بدانند اگر قانون برای همه برابر است آنها باید به دنبال اجرای آن برای همکاران خاطی خود باشند؟ آیا تاکنون به‌عنوان نماینده مردم در عمل توانسته‌اند گامی برای کاهش فشار اقتصادی بردارند؟ آیا نوشتن قانون برای دوختن لباس ریاست‌جمهوری برای نامزد مورد حمایت بهارستانی‌ها، حرکت در مسیر درست نمایندگی است؟ نوشتن طرح‌هایی بدون کارشناسی دقیق و با ادبیات دور از زبان حقوقی چگونه توجیه‌پذیر است؟ نمایندگان مجلس یازدهم به کل در حاشیه هستند و گاهی شاید نظری بر متن بیندازند. رئیس مجلس به سفر استانی می‌رود و در نقد امور عمرانی و اجرائی که حیطه وظایف قوه مجریه است سخنرانی می‌کند و وعده و وعید هم می‌دهد، یک نماینده مجلس خود را ارجح بر مردم عادی می‌داند و بر صورت سرباز مملکت سیلی می‌زند و آن دیگری می‌گوید نماینده نشده تا دناپلاس سوار شود و شاسی‌بلند می‌خواهد و خلاصه کم مانده کمپین یک نماینده، یک حاشیه به راه بیفتد. در این بین پول بیت‌المال است که صرف نمایندگان مجلس شده است. در همین راستا نمایندگان اصولگرای مجلس که بر خود نام انقلابی‌ترین مجلس بعد از انقلاب را گذاشته‌اند، تصمیم گرفته‌اند نه‌فقط روحانی بلکه دولت را تحویل قوه قضائیه بدهند که حتی اگر طرح شکایت نتیجه نداد که بعید است نتیجه دهد، حداقل برای دولت دردسری و برای خود نیز نام و آوازه‌ای ثبت کرده باشند. چندی پیش بود که خبر رسید نمایندگان مجلس در تلاش برای تحویل روحانی به قوه قضائیه هستند و امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، درباره طرح موضوع معرفی رئیس‌جمهوری به قوه قضائیه برای محاکمه در صورت موافقت نمایندگان در صحن مجلس براساس ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین مسائلی که در کمیسیون قضائی مطرح بود، بحث معرفی رئیس‌جمهوری به قوه قضائیه بود. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین عناصری که برای موارد ارسال به قوه قضائیه ضرورت دارد، عنصر قانونی، مادی و معنوی است. وقتی عملی فاقد هرکدام از این عناصر سه‌گانه باشد، قاعدتا در دادگستری هم قابل طرح نیست. وی گفت: امیدوارم اعضای محترم کمیسیون قضائی مجلس که بخش حقوقی مجلس شورای اسلامی است و عمدتا کسانی که در این کمیسیون هستند، با امور حقوقی آشنایی دارند، ان‌شاءالله استدلال‌های دولت را مورد عنایت قرار دهند و این موضوع در همین مرحله حل‌وفصل شود. حال نیز عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از جزئیات شکایت نمایندگان مجلس از ظریف، کلانتری و آخوندی خبر داده است. مرتضی محمودوند، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که بحث اعتراضات به صحبت‌های آقای ظریف و اظهارات آقای کلانتری درباره امام (ره) و موضوع سوم بحث شکایت از آخوندی و اعتراضی که نماینده‌ها نسبت به عملکرد وزیر سابق راه و شهرسازی داشتند، به کجا رسیده است، اظهار کرد: عده‌ای از نمایندگان این امضاها را جمع کردند و نتیجه آن را به دستگاه قضائی دادند که پیگیری کند.

وی افزود: اما اصل موضوع این است که یک مقام رسمی آن هم در جایگاه وزارت خارجه در شرایطی که بهره‌برداری فقط به نفع دشمن است بگوید گِرا دادند، این از آن دست کارهایی است که متأسفانه با نگرش و سطح تفکر خیلی پایین صورت می‌گیرد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در ادامه خاطرنشان کرد: متأسفانه در دولت قبلی هم از این موارد داشتیم، خاطرم هست بسیاری از سیاست‌مداران، بسیاری از سرویس‌های امنیتی، رؤسای نهادهای اطلاعاتی روی موضوع ربایش رئیس‌جمهور در عراق خیلی مورد هجمه وسیع طنز قرار گرفتند، این صحبت آقای ظریف هم از آن دست حرف‌هاست که گرا دادند؛ انگار چهار تا بچه دانش‌آموز هستند که با هم لج کرده‌اند!

ادامه در صفحه ۳

نامزد غیراصلاح‌طلب از دستور کار خارج شده است؟

عکس: مهر

شرق: اصلاح‌طلبان که این روزها با سازوکاری جدید پا به عرصه انتخابات گذاشته‌اند از اعضای نهاد اجماع‌ساز خود رونمایی کردند؛ ترکیبی که علاوه‌بر حضور احزاب تأثیرگذار چهره‌های سرشناسی را در خود جای داده است. قرار است این مجمع در ماه‌های آینده علاوه‌بر تبیین خط‌مشی انتخاباتی بر سر نامزدهای جبهه اصلاحات هم بحث کند تا درنهایت به یک نامزد واحد دست یابد و همه احزاب بر او به اجماع نهایی برسند. براساس مصوبه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات که سنگ‌بنای تشکیل نهاد اجماع‌ساز بود، اصلاح‌طلبان در انتخاباتی آزاد، رقابتی و مبتنی‌بر قانون اساسی با «نامزد اصلاح‌طلب» شرکت می‌کنند. همین قید نامزد اصلاح‌طلب کافی است تا دربابیم بنای این نهاد تازه‌تأسیس ادامه سیاست ائتلافی یا همان ورود به انتخابات با نامزد غیراصلاح‌طلب را از دستور کار خود خارج کرده است تا احتمالا در آینده شاهد اجماع اصلاح‌طلبان بر یک نامزد کاملا اصلاح‌طلب باشیم.

اعضای حقیقی

اعضای حقیقی این مجمع به‌تازگی معرفی شدند که نام آنها عبارت‌اند از: بهزاد نبوی، سیدحسین مرعشی، محسن امین‌زاده، محسن میردامادی، محمدرضا جلایی‌پور، علیرضا علوی‌تبار، سیدحسن رسولی، سیدسراج‌الدین موسوی، حسن صادقی، عماد بهاور، بدرالسادات مفیدی، سیدمعروف صمدی، فاطمه سعیدی، فخرالسادات محتشمی‌پور و اسماعیل گرامی‌مقدم.

اعضای حقوقی

اعضای حقوقی یا همان احزاب که نمایندگان آنها در جلسات مجمع حضور دارند هم به این ترتیب است: انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن روزنامه‌نگاران زن، انجمن اسلامی مهندسان، جمعیت زنان مسلمان نواندیش، جمعیت تولیدگرایان ایران اسلامی، جمعیت دفاع از حقوق بشر زنان، خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران، حزب اتحاد ملت ایران، حزب اسلامی کار، حزب اعتماد ملی، حزب پیشرو اصلاحات، حزب توسعه ایران، حزب کارگزاران سازندگی ایران، حزب جوانان ایران اسلامی، حزب مجمع فرهنگیان ایران اسلامی، حزب مردم‌سالاری، حزب همبستگی ایران اسلامی، حزب همبستگی دانش‌آموختگان ایران، حزب ندای ایرانیان، حزب وحدت و همکاری ملی، حزب آزادی، سازمان عدالت و آزادی، سازمان معلمان ایران، مجمع ایثارگران، مجمع نیروهای خط امام، مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه، مجمع دانش‌آموختگان ایران اسلامی، مجمع نمایندگان ادوار مجلس، مجمع زنان اصلاح‌طلب.

کمیجانی: معین، موسوی‌لاری و عبدالله نوری قول همکاری داده‌اند

فرج کمیجانی، رئیس دوره‌ای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و دبیرکل مجمع فرهنگیان ایران اسلامی، درباره آخرین تحولات در نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان گفت: «ما اصلاح‌طلبان با وجود همه موانع هنوز هم تنها راه تغییرات تدریجی و آرام در جامعه را از طریق صندوق‌های رأی امکان‌پذیر می‌دانیم؛ بنابراین اراده تمامی احزاب اصلاح‌طلب بر مشارکت فعال در انتخابات در صورت وجود کاندیدای اختصاصی اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان با هدف تحقق و عملیاتی‌شدن مشارکت حداکثری، به دنبال نهایی‌کردن نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان با مشارکت فکری، عملی و اجرائی۳۱ حزب دارای مجوز از وزارت کشور هستند.

قرار بر این بود که برای تقویت و فراگیری این نهاد اجماع‌ساز تعدادی از شخصیت‌های ملی دارای مقبولیت فراگیر اجتماعی جریان اصلاحات را به عنوان عضو در این نهاد اجماع‌ساز جدید دعوت کنیم تا این نهاد اجماع‌ساز در حوزه‌های مختلف فعالیت‌ها، سیاست‌گذاری و انتخاباتی، جایگزین هر دو نهاد قبلی یعنی شورای سیاست‌گذاری و شورای هماهنگی شود... . اساسا اصلاح‌طلبان چون به کار حزبی در چارچوب قانون اعتقاد دارند با هرگونه تحریم یا انفعال و بی‌تفاوتی در انتخابات مخالف هستند و این کنش‌ها را مغایر با روحیه اصلاح‌طلبی و مردم‌سالاری دینی می‌دانند. بر همین اساس امیدواریم در انتخابات ۱۴۰۰ با داشتن کاندیدای واحد، صاحب برنامه و تیم منسجم که مورد تأیید این نهاد اجماع‌ساز باشد در عرصه سیاسی کشور نقش‌آفرینی کنیم».

کمیجانی همچنین گفت: «در اجرای مصوبه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، مبنی‌بر تشکیل نهاد اجماع‌ساز (مرکب از دبیران کل یا نمایندگان تام‌الاختیار ۳۱ حزب عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و ۱۵ نفر از اشخاص حقیقی از بین شخصیت‌های متنفذ جریان اصلاحات، کارگروه تعامل، مرکب از پنج عضو منتخب شورای هماهنگی جبهه اصلاحات (زهرا شجاعی و حسین کمالی، فرج کمیجانی، جواد امام و محمود صادقی) و چهار عضو منتخب سیدمحمد خاتمی (سیدعبدالواحد موسوی‌لاری، بهزاد نبوی، حسین مرعشی و محسن امین‌زاده) تشکیل شد و اعضای کارگروه ۹نفره معیارها و اولویت‌های انتخاب اشخاص حقیقی برای عضویت در نهاد اجماع‌ساز را تدوین کردند و تصمیم گرفتند که با لحاظ‌کردن معیارهای مصوب ترکیب اشخاص حقیقی را به گونه‌ای انتخاب کنند که نهاد اجماع‌ساز برایندی از همه ظرفیت‌های اصلاح‌طلبان باشد و این نهاد بتواند اکثریت قریب به اتفاق اصلاح‌طلبان کشور را نمایندگی و اقشار مختلف جامعه را نسبت به مشارکت فعال در انتخابات ترغیب کند». او درباره ملاک‌های انتخاب اشخاص حقیقی مجمع اجماع‌ساز هم گفت: «ملاک و معیارهای مصوب عبارت بودند از شخصیت ملی فراگیر، ترجیحا غیرحزبی، مسئولیت‌پذیر، خوشنام، دارای حسن شهرت اخلاقی و سلامت مالی، دارای شرایط جسمی مناسب و تحمل و حوصله و علاقه‌مندی به حضور و صرف وقت در نهاد اجماع‌ساز. افراد باید دارای مقبولیت و مرجعیت اجتماعی، مؤثر و ذی‌نفوذ حداقل در بین یکی از اصناف یا اقشار جامعه باشند، از قبیل جوانان، مدیران، هنرمندان، ورزشکاران، اقوام، اهل سنت، اقلیت‌های دینی، کارگران، معلمان، دانشجویان، استادان دانشگاه، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان محیط زیست، اهالی رسانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. حضور فعال در عرصه عمومی و رسانه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دارای توانایی گفت‌وگو، سخنرانی و نوشتن مقاله».

او در پایان از نقش معین، موسوی‌لاری، عبدالله نوری هم در این مجمع سخن گفت: «در ضمن عزیزان زیادی همانند مصطفی معین، حجت‌الاسلام‌والمسلمین عبدالواحد موسوی‌لاری، حجت‌الاسلام‌والمسلمین عبدالله نوری و... قول مساعد داده‌اند که این نهاد اصلاح‌طلبان را با ارائه مشاوره در زمینه انجام فعالیت‌های مختلف فکری، علمی، پژوهشی، آموزشی و... یاری کنند و همچنین تصمیم بر این شد که از اصلاح‌طلبانی که در معرض کاندیداتوری برای انتخابات ریاست‌جمهوری هستند به دلیل اینکه خودشان در معرض انتخاب این نهاد قرار خواهند گرفت در این نهاد عضو نباشند تا در انتخاب کاندیدای نهایی شائبه‌ای به وجود نیاید».

رسولی: چاره‌ای جز این نداشتیم

حسن رسولی که اکنون یکی از اعضای نهاد اجماع‌ساز است هم درباره لیستی که اخیرا منتشر شده است، به «برنا» گفت: «تا زمانی که به یک نظام کارآمد و مؤثر دست پیدا نکنیم و به سمت ساختار حزبی و استفاده از اعضا در ساختار سیاسی و حقوقی کشور نرسیم، چاره‌ای نداریم به جز اینکه در راستای انتخابات نهادهایی به‌کارگیری کنیم که نقش هم‌گرایی بین اعضا و جریان‌ها را دارند و این واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است که درحال‌حاضر ناچار به استفاده از این راهکارها هستیم. شرایط زمانی بهبود پیدا می‌کند که نظام جامع انتخاباتی به جای فردمحوری، حزب‌محور و با اتکا به برنامه‌ها باشد، در آن صورت به جای نهادهای اجماع‌ساز، احزاب کم‌شمار و پرتوان به تنظیم و تعیین عرصه‌های انتخاباتی روی می‌آورند».

مرعشی: در مجمع اجماع‌ساز مشاور داریم نه عضو حقیقی

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران که به عضویت این مجمع درآمده است نیز درباره همین موضوع به «باشگاه خبرنگاران جوان» گفت: «ما در این نهاد عضو حقیقی نداریم و همه نماینده احزاب هستند و صرفا قرار است جمعی به عنوان مشاور دعوت شوند که شنیدم نام من هم در آن گنجانده شده است و من خبر نداشتم، اگر جلسه‌ای تشکیل شد و من هم به‌عنوان مشاور در آن شرکت کردم می‌توانم درباره آن توضیح دهم». او درباره برنامه‌های انتخاباتی حزب متبوع خود هم ادامه داد: «برنامه‌های حزب کارگزاران سازندگی به صورت مدون در حال جلورفتن است و نامزدهای خود را هم مشخص کرده که اسامی آنها پس از بررسی توسط شورای نگهبان منتشر خواهد شد، البته برنامه‌ها ممکن است تا دو هفته دیگر رونمایی شود». مرعشی دراین‌باره که آیا کارگزاران خارج از جریان اصلاحات نامزدی ارائه خواهد کرد، گفت: «این شایعه و راوی این شایعه یک منافق است و کارگزاران و جریان اصلاحات یک نامزد مشترک را وارد صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده خواهند کرد؛ اما تا قبل از بررسی شورای نگهبان درباره هیچ فردی صحبت نخواهیم کرد».

جن‌گیران و مسئولان

به نظر می‌رسد که فقط سیدصادق و عباس غفاری نبودند که به جن‌گیران دولت احمدی‌نژاد معروف شدند. افراد دیگری هم هستند که حالا احمد توکلی جرئت کرده و به آنها اشاره کرده است. او نوشته که غسال آیت‌الله مصباح‌یزدی فردی به نام مطلبی‌کاشانی یک ابربدهکار بانکی و رمال و جن‌گیر است که با علما هم رابطه دارد! به نظر می‌رسد که در جامعه قشری به رمالی اعتقاد دارند و برخلاف تصور فقط هم در بین عوام جامعه نیستند. اگر افشاگری‌های توکلی را قرین به صحت ارزیابی کنیم، باید گفت رمالی بین خواص هم طرفدار دارد و حتی کتاب‌هایی هم در این زمینه منتشر شده است ازجمله «آسترولوژی یا نجوم احکامی، حقیقت یا خرافات» نوشته مهندس فرزاد مشکات. این کتاب سال ۷۲ چاپ شده و گویا نایاب است، اما در اینترنت قیمتش ۴۰ هزار تومان اعلام شده که می‌توان با یک تماس واتس‌اپی آن را سفارش داد! کتاب دیگری که وجود دارد «اصول رمل و اسطرلاب»، تهیه و تنظیم حسین نمینی است. سایت خبرآنلاین سال ۹۰ به نقل از وال‌استریت ژورنال گزارش عجیبی درباره یک رمال اصفهانی و ملاقاتش با برخی مقامات منتشر کرد. در این گزارش از پیرمردی به نام سیدصادق نام برده شده بود که با جن‌هایی در ارتباط بود که فقط خودش می‌توانست آنها را ببیند. طبق این گزارش، او غیب‌گوی اعظم و چیره‌دست برخی مقامات ایران بوده و گفته بود که چندین نفر از مقامات به طور مرتب با او تماس می‌گیرند و دو بار رئیس‌جمهوری وقت، محمود احمدی‌نژاد را حضورا دیده و اینکه از طریق اعضای دولت با او در ارتباط است. علیرضا زاکانی زمانی در مخالفت با مشایی گفته بود: خط‌گیری از کسانی که به‌هیچ‌وجه مورد تأیید بزرگان دینی و مبتنی بر اصول و عقاید مذهبی ما نیستند و رفت‌وآمدهای مشکوک به خارج از کشور به دنبال مددگیری از برخی خرافات هم از مسائلی است که صلاحیت ایشان برای تصدی یک پست میانی را زیر سؤال می‌برد، چه رسد به اینکه شخص دوم کابینه شود».

سایت جهان‌نیوز نزدیک به او هم خبری منتشر کرده بود که بر اساس آن «یکی از مقامات ارشد کشور» به ارتباط با مرتاض ۴۰۰ساله هندی متهم شده و در سفرهای متعدد به هند، برای «پیش‌بینی تحولات جهان و بعضا ایران» با مرتاض یادشده دیدار کرده بود. همچنین او «دیدارهایی بسیار منظم» با برخی « افراد عجیب‌وغریب» در ایران داشته است که گرایش‌های مشابهی با مرتاض هندی دارند.

عباس عبدی هم مدتی بعد در مطلبی نوشت: «یکی از آشنایان قدیمی حدود دو سال پیش برای مطالعه مسلک‌های صوفی و دراویش به جنوب هند شهر نیسور در ایالت بنگلور رفته بود که از این نظر خیلی مهم و مشهور است. در آنجا یکی از صوفی‌های شناخته‌شده به نام عبدالقادر را ملاقات می‌کند و او پایان حکومت ایران را پیشگویی می‌کند. او آموزگار مستقیم نظریه‌پرداز دولت سابق است و قطعا این پیشگویی را به اطلاع او هم رسانده است. ظاهرا چنین برداشتی شده که اگر پرچم اپوزیسیونی به زمین افتاده! را بردارند جانشین بلافصل آن خواهند بود! البته از موعد مذکور ظاهرا گذشته است و احتمالا بداء حاصل شده! ولی واقعیت تصمیمات و سیاست‌های این جریان از گذشته دور بر همین مبنا و سیاق بوده و هست». در اردیبهشت ماه سال ۹۰، هم‌زمان با ماجرای خانه‌نشینی احمدی‌نژاد، حملات اصولگرایان به او هم شدت گرفت. در این زمان بار دیگر ماجرای «رمالی» بحث داغ آنها شد. مرتضی نبوی گفته بود استفاده جریان انحرافی از سحر و جادو و بهره‌گیری از ماورای طبیعت «نمی‌تواند دور از ذهن باشد» و خود اینها بعضا مدعی چنین ارتباطاتی شدند؛ یعنی منکر نبودند. حسین فدایی هم گفته بود: «به نظر می‌رسد این جریان انحرافی با توسل به یک‌سری مسائل شیطانی که دور از واقعیت هم نیست و طبق آیات قرآنی جزء اعتقادات مسلمانان هم هست، سعی می‌کنند افراد را تحت تأثیر قرار دهند». مشهورترین اظهارنظر در این زمینه متعلق به آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی، از حامیان جدی محمود احمدی‌نژاد در دو انتخابات ۸۴ و ۸۸ بود که نمی‌توانست حمایت‌های رئیس وقت دولت را از مشایی و نوع رابطه آنها را حلاجی کند، برای همین گفته بود: «یک وقتی به برخی از دوستان نزدیکم گفتم که بیش از ۹۰ درصد معتقدم که او سحر شده است! این وضعیت ابدا طبیعی نیست. هیچ آدم عاقلی چنین کارهایی نمی‌کند، مگر آنکه اختیار از او سلب شده باشد... روی کارها و حرف‌های شخص جنجال‌آفرین حساس شدیم، دیدیم خیلی حرف‌های بوداری است و اصلا حرف‌های ساده‌ای نیست. بنده روزبه‌روز احساس کردم که خطر بسیار عظیمی در این جریان نهفته و تلاش زیادی در این راه شده است. عقلم نمی‌رسید که آیا هیپنوتیزم است، سحر است، ارتباط با مرتاضین است؟ بنده این‌جور چیزها را بلد نیستم، ولی می‌دانستم که در این قضیه، چیزی غیرطبیعی وجود دارد... . البته اینها همه مسموعات هستند و بنده به چشم خودم ندیده‌ام».

در نهایت محسنی‌اژه‌ای سخنگوی وقت قوه قضائیه ۲۴ مرداد ۹۰ درباره دستگیری فرد جن‌گیر گفت: «دستگاه قضائی با اتهام و جرم برخورد دارد، نه با عنوان. ممکن است جن‌گیر از باب جن‌گیری خود، مرتکب جرم شود، ولی ما به اتهام جرمی که مرتکب شده، با او برخورد می‌کنیم. دو نفر از کسانی که معروف شده‌اند به جن‌گیر، در شرف رسیدگی پرونده در دادگاه هستند. قرار مجرمیت صادر شده و کیفرخواست در شرف صدور است و به دادگاه خواهد رفت». بعد اعلام شد که فردی به نام عباس غفاری متعلق به حلقه احمدی‌نژاد دستگیر شده که به ارتباط با برخی از اعضای جریان موسوم به انحرافی اعتراف کرده و گفته که در برخی از مناسبات سیاسی از توان شیطانی و غیرشرعی این افراد استفاده کرده است. جوان‌آنلاین درباره‌اش نوشته بود که گفته می‌شود او به ریاضت‌های عجیب غیرشرعی دست زده است. البته اژه‌ای از دو نفر نام برد که اما فقط نام یک نفر بر سر زبان‌ها افتاد.

در همه موارد اما احمدی‌نژاد و نزدیکانش ارتباطشان را با چنین افرادی تکذیب کردند. احمدی‌نژاد گفته بود: «دولت را به ارتباط با رمال‌ها متهم کردند، آخرش معلوم شد رمال‌ها با همه ارتباط دارند الا دولت! ... اگر قرار بود کار ما با رمال و جن‌گیر باشد که نیاز نبود شهر به شهر برویم و جان بکنیم. به همان رمال‌ها و اجنه می‌گفتیم که یک کاری بکنند! در ضمن اگر این رمال و جن‌گیرها کاری از دستشان بر می‌آمد که می‌توانستند جلوی دستگیری خودشان را بگیرند. خوب پس کجاست؟ این‌همه گرفتید، رمال و جادوگر و گفتید با دولت ارتباط دارند؛ خوب کجا هستند؟ چطور شد و صدایش یکباره خوابید؟».

نقش جن‌گیران در اتخاذ تصمیمات مرموزانه

احمد توکلی در بخشی از یادداشتی که در سایت الف منتشر کرده نوشته است: «...چندی پیش جناب آقای صدیقی روایتی را از قول یک غسال در سیما مطرح کرد که جنجال بسیاری در کشور برانگیخت؛ به حدی که مدتی بعد مجبور به عذرخواهی شد. پیداکردن غسال یادشده با توجه به کدی که ایشان در سخنان خود داد، چندان دشوار نبود. غسال آیت‌الله مصباح، همان غسال مرحوم آیت‌الله حق‌شناس است. همان ابرسرمایه‌داری که چندی پیش نیز برای حجت‌الاسلام پناهیان حاشیه آفریده بود. گرچه آقای پناهیان از خویش در برابر هجمه‌های ناجوانمردانه‌ای که علیه او مطرح شده بود، دفاع کرد اما در سخنانش اعتماد و حسن ظن فراوان به شخصی وجود داشت که ابهامات مالی بسیاری درباره او مطرح است. با ورود جریان عدالت‌خواه به این مسئله، ابعاد بیشتری عیان شد. دیده‌بان شفافیت و عدالت پرونده آقای مطلبی‌کاشانی را یک پرونده ویژه تلقی کرد و با نام‌بردن صریح از او، به علما هشدار داد از وی بپرهیزند که متأسفانه چندان کارگر نیفتاد. فردی که بررسی‌ها نشان می‌دهد شبکه بزرگ و تودرتویی از ارتباطات با مسئولان عالی‌رتبه و روحانیون سرشناس دارد. همچنین، بررسی برخی پرونده‌هایی که در دیده‌بان شفافیت و عدالت در جریان است نشان‌دهنده نقشی است که متأسفانه جن‌گیرها و کهانت‌ورزان فاسد در سال‌های اخیر در اتخاذ تصمیمات مرموزانه و ناکارآمدساز و جورافزای برخی از مسئولان و سرشناسان داشته‌اند؛ افرادی که در لباس تاجران خیّر و متدیّن به دنبال نفوذ بر علما و مسئولان هستند فارغ از آنکه، کار خیری را که از عایدی غصب املاک دیگران یا اجاره موقوفات به ثمن بخس صورت گیرد، چه سود، حتی اگر نگهداری از صدها کودک معلول یا ساخت حوزه‌های علمیه باشد و بدتر آنکه پای چنین افرادی را به تمشیت امور در آستان مقدس علی‌بن موسی‌الرضا (ع) نیز بازنماید. از دیگر موارد مشابه می‌توان به فردی به نام ... اشاره کرد که به عنوان یکی از متهمان پرونده صندوق ذخیره فرهنگیان با بدهی چند صد میلیاردی به بانک سرمایه از کشور گریخته است. موحدی هم در لباس فردی دست‌به‌خیر که در راستای گسترش دین و کمک به اقشار ضعیف، از هیچ کمکی به برخی وعاظ مشهور تهران دریغ نداشته است، به نفوذ اقدام می‌کرد... هر جا دین باشد نفاق و دورویی و ریا نیز هست. این ما هستیم که با ضعف و دوستی‌های غیرالهی، راه را برای سلطه شیطان بر خویش هموار می‌کنیم و دچار فتنه می‌شویم...».

واکنش فرزند آیت‌الله مصباح‌یزدی

به گزارش جماران، حجت‌الاسلام علی مصباح‌یزدی، فرزند مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی، به اظهارات احمد توکلی واکنش نشان داده و گفته: «آقای توکلی اشتباه می‌کنند و این اطلاعات غلط است. بنده این موضوع را تأیید نمی‌کنم. فردی که مدنظر ایشان و دیگران است، غسال حاج آقا نبودند».

سند کمپانی و برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۴۸و۶۶۳ ایران ۹۹ و شماره موتور ۱۴۱۸۸۰۰۴۴۲۵ و شماره شاسی NAAP۰۳ED۵۹J۰۴۴۱۹۸ بنام **محسن مرادکرمی** مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ادامه از صفحه اول

موانع احیای برجام

با پذیرش اجمالی موارد فوق هنوز این سؤال مطرح است که چرا بازگشت آمریکا به توافقی که مهم‌ترین موفقیت دیپلماتیک چند دهه اخیر نام گرفت، همچنان محل تردید است. به نظرم پاسخ اجمالی به این سؤال، اول تغییر شرایط در سطح منطقه و جهان و دوم نگاه ایران برای احیای این توافق و تسهیل بازگشت آمریکا به این توافق است.

منطقه و جهان در مقایسه با زمان دستیابی به توافق هسته‌ای تغییرات چشمگیری کرده است، برخی به نفع و برخی دیگر علیه ما. امروز موضع اروپا بسیار سخت‌تر از موضع آمریکاست، امری که در دور قبلی مذاکرات منتهی به برجام کاملا برعکس بود. اسرائیل و عربستان، دو مدعی و مخالف جدی توافق هسته‌ای با هم هستند و صدای واحدی دارند و فشار مضاعفی را بر واشنگتن می‌آورند. بایدن نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مانند سلف خود اوباما بی‌اعتنا به مخالفت‌های داخلی و متحدان منطقه‌ای در مسیر احیای توافق در شاکله سابق آن حرکت کند. تیم بایدن بارها گفته‌اند که ملاحظاتی همچون نگاه داخلی به این توافق (کنگره، آیپک و...) و نظرات متحدان اروپایی و منطقه‌ای در بازگشت به برجام را مد نظر قرار خواهند داد. با این وجود این ملاحظه مهم را باید در نظر گرفت که روند اجرائی این ملاحظات تا حد قابل توجهی به مواضع ایران در قبال تغییراتی است که در کاخ سفید و نگاه آمریکا به جهان و ایران رخ داده است. در شرایطی که اکثر کشورهای جهان از پیروزی بایدن استقبال و از تغییر در سیاست‌های کلان آمریکا اظهار خرسندی کرده و آمادگی خود را برای ایجاد فضای جدیدی در روابط با آمریکا بیان کردند، واکنش ایران به این تحول مهم و ادبیات دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی و دیگر مقامات کشور به گونه‌ای بود که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده و قرار نیست تغییری را در رویکرد آمریکا نسبت به ایران شاهد باشیم. احتمالا پاسخ این است که این واکنش تاکتیکی و از سر استغنا و عدم ذوق‌زدگی و شتابزدگی ایران است.

با این وجود در شرایطی که چینش مهره‌های اصلی تیم بایدن به گونه‌ای است که جیغ بنفش نتانیاهو و حامیان او در داخل آمریکا را در پی داشته، تا این حد بی‌تفاوتی از سوی دستگاه‌های رسمی فاقد توجیه در عرصه سیاسی و دیپلماسی است. به گفته بسیاری از ناظران بین‌المللی، تیم سیاسی- امنیتی بایدن افرادی باتجربه، کارآزموده و موافق تعامل مثبت با ایران هستند. بسیاری از آنها از اعضای اصلی مذاکرات ۵+۱ و توافق برجام و البته حامی آن هستند که به صراحت با خروج ترامپ از این توافق به مخالفت برخاستند. تفاوت‌های برایان هوک هماهنگ‌کننده سیاست‌های آمریکا درباره ایران در دوره ترامپ و رابرت مالی که از سوی بایدن به این سمت انتخاب شده، نمونه روشنی از تغییر در تیم جدید رهبری آمریکا در مورد کشورمان است. تمامی جناح‌های تندرو آمریکا با این انتخاب بایدن مخالفت و به آن حمله کرده‌اند. سناتور تام کاتن که یکی از چهره‌های ضدایرانی است با انتقاد از انتصاب رابرت مالی او را با «سابقه طولانی‌ای در همدردی با ایران و دشمنی با اسرائیل» توصیف کرده است. به نظر می‌رسد تقدم مرغ و تخم‌مرغ را نباید به مانعی جدی در احیای برجام تبدیل کرد. برهان خلف می‌گوید اگر عربستان و اسرائیل با توافق هسته‌ای و آغاز مجدد گفت‌وگوهای ایران و آمریکا مخالف‌اند، وقوع این تحول به نفع مصالح کشور است و باید این راه را هموار کرد. برخلاف دوره ترامپ و نرد عشق بین او و محمد بن‌سلمان، تیم بایدن منتقد جدی سیاست‌های عربستان در موضوعاتی متعدد نظیر جنایات این کشور در یمن، قتل فجیع خاشقجی و حقوق بشر است. بایدن در اولین روزهای کار خود انصارالله یمن را از لیست سازمان‌های تروریستی خارج کرد. اقدامی که در آخرین روزهای کار ترامپ و به یقین با رایزنی عربستان و اسرائیل و با هدف مانع‌تراشی در مقابل بایدن در پرونده یمن و عربستان انجام شد. نادیده‌گرفتن این موارد و حرکت در مسیری که برجام از اولویت تیم بایدن کنار گذاشته شود، خطای بزرگی در سیاست خارجی است.

چگونه وضعیت ایران بسامان می‌شود؟

...بیماری‌های مزمن اقتصاد کشور ساختاری است و گاهی حتی با انتقال برخی مجموعه‌ها به بخش خصوصی نیز بهره‌وری افزایش نیافته است، درحالی‌که تصور می‌شد با مدیریت بخش خصوصی و اقتصاد رقابتی‌تر، بازدهی سرمایه و نیروی کار افزایش یابد» (اسحاق جهانگیری- ۹۹/۱۱/۵). ۲- کسب جایگاه سیاسی و دراختیارگرفتن دولت در معنای قوه مجریه هدف جریان‌های سیاسی مختلف کشور است. هدفی که اگر با روش‌های مشروع صورت گیرد نمی‌توان بر آن خرده‌ای گرفت. اما در جهان امروز نمی‌توان از کسب قدرت سخن گفت ولی این هدف را فقط محدود به عرصه سیاسی کرد و از عرصه‌های اقتصادی یا اجتماعی و فرهنگی و حقوقی غافل ماند. در این میان عرصه اقتصاد به‌خصوص اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه روشنفکران و جریان‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی در کشورمان عموما موضوع اقتصاد را حل‌شده تلقی کرده و اصولا وقت صرف‌کردن برای توضیح و تبیین الگو و مدل اقتصادی مورد نظر خود را غیرلازم یا حداقل تا پیش از کسب قدرت سیاسی غیرضروری می‌دانند و آن را به پس از کسب قدرت سیاسی موکول می‌کنند.

ادامه در صفحه ۴